

# چند سؤال از باکو درباره حمله مسلحانه به سفارت



دکتر احمد کاظمی، دکترای حقوق بین‌الملل و پژوهشگر ارشد مسائل اورآسیا، روز جمعه هفتم دی / ۲۷ ژانویه واقعه تلخی در نتیجه حمله مسلحانه فردی به نام «یاسین حسین‌زاده» به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران روی داد که منجر به کشته‌شدن مسئول امنیتی سفارت و زخمی‌شدن دو دیپلمات این سفارتخانه شد. این اقدام مجرمانه که بر اساس اعتراف ضارب، با انگیزه‌های شخصی صورت گرفت، با ورود به‌موقع نیروی انتظامی و دستگیری وی که دو فرزند خردسالش را نیز همراه داشت، به پایان رسید. بلافاصله مقامات عالی‌رتبه ایران از جمله رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه با تسلیت و ابراز همدردی با دولت، ملت و بازماندگان دیپلمات جان‌باخته، در دستورات و موضع‌گیری‌ای که حاکی از پابندی عملی ایران به اصل حسن هم‌جواری و کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درخصوص روابط دیپلماتیک (ناظر به تأمین امنیت اماکن و اشخاص دیپلماتیک) است، بر پیگیری حقوقی و قضائی موضوع و مجازات ضارب تأکید کردند.

بر اساس تجارب جهانی و منطق بر عُرْف حقوقی و سیاسی، در این موارد طرفین از موضع‌گیری‌های عجولانه و بی‌اساس خودداری می‌کنند، با وجود این دستگاه رسانه‌ای و برخی از مقامات رسمی جمهوری آذربایجان از همان ابتدا و به صورت هماهنگ، مدعی تروریستی‌بودن حادثه، نقش برخی نهادهای ایران در آن و ادعاهایی مشابه این شدند. در چنین شرایطی، نگارنده ضمن محکوم‌کردن این حادثه و ابراز همدردی و تسلیت، معتقد است برای تئور افکار عمومی می‌توان چند سؤال دراین‌باره از مقامات باکو مطرح کرد:

**اول:** آیا این اولین بار است که حمله یا تعرضی به یک مکان دیپلماتیک در دنیا می‌شود؟ رفتار دیگر کشورها در این خصوص چگونه بوده و اساسا جمهوری آذربایجان در سایر موارد مشابه چگونه برخورد کرده است؟

**دوم:** چرا جمهوری آذربایجان در حادثه حمله به سفارت این کشور در لندن در مرداد ۱۴۰۱ توسط گروه کوچنی اتحاد‌خدا‌المهدی که زمان قابل توجهی هم طول کشید نه پلیس لندن را متهم به قصور کرد و نه هیاهوی تخلیه سفارت و تعلیق یا تعلیل سطح روابط را مطرح کرد؟ چرا در آن حادثه رسانه‌های جمهوری آذربایجان به‌شدت مدیریت شدند، مطلب منفی قابل توجهی علیه لندن منتشر نشد و حتی موضوع احتمال حمله به مراکز دیپلماتیک به نوعی عادی‌بازنمایی و نهایتا موضوع بدون تئور افکار عمومی از ریشه‌های این حمله مسدود شد.

**سوم:** چگونه است که در این حادثه باکو صبر پیشه نکرد و انبوهی از اتهامات را روانه ایران کرد اما زمانی که در دسامبر ۲۰۱۶ (آذر ۱۳۹۵) آندره کارلوف قهرمان ملی و سفیر روسیه در ترکیه در یک مراسم هنری در جلوی چشمان بهت‌زده حضار و مقابل دوربین به ضرب چندین گلوله توسط آلتین تاش که ادعا شد از پلیس آنکارا اخراج شده، کشته شد، جمهوری آذربایجان طرفین را نه به طرح ادعاهای تروریسم دولتی بلکه به خویشتن‌داری، همکاری و مساعی مشترک جهت پیگیری همه‌جانبه فراخواند؟

**چهارم:** طبیعی است که پروتکل‌های دیپلماتیک مربوط به تأمین امنیت اشخاص و اماکن برای همه کشورها لازم‌الاجراست، اما سؤالی که از مقامات باکو می‌شود این است که اگر به این پروتکل‌ها پایند

هستند چرا بارها زمینه تعرض و توهین به ارزش‌های ملی و مذهبی ایران را در مقابل سفارت این کشور با همکاری پلیس فراهم کرده‌اند؟ **پنجم:** پیرو سؤال قبلی، آیا قتل گئورگنمارکاریان افسر ارمنی با تبر توسط رامیل صفروف افسر آذری در یک اجلاس رسمی و آموزشی ناتو در بوداپست در سال ۲۰۰۴ نقض پروتکل‌های دیپلماتیک نبود. پس چرا باکو به جای عذرخواهی، به صفروف پس از انتقال وی به باکو در سال ۲۰۱۲ توسط الهام علی‌اف ارتقای درجه داد؟

**ششم:** صیافت عسکراف نایب‌رئیس‌مجلس جمهوری آذربایجان که حدود دو دهه است ریاست نمایندگی هیئت نمایندگی جمهوری آذربایجان در مجمع پارلمانی ناتو را بر عهده دارد و به دلیل اشتها در ناتوگرایی، سخنگوی غیررسمی ناتو در پارلمان باکو محسوب می‌شود، در همان ساعات اولیه مدعی شد حمله مسلحانه به سفارت، تروریسم دولتی است؟! آیا وی از معنای تروریسم دولتی خبر ندارد یا این محافل رسمی جمهوری آذربایجان، تلاش دارند به جای پاسخ‌گویی به ابهامات این حادثه، از آن برای پیشبرد ایران‌هراسی و خوش‌خدمتی بیشتر به اغراض چندگانه رژیم صهیونیستی علیه ایران استفاده کنند؟ آیا مقامات باکو نمی‌دانند که «تروریسم دولتی» ویژه رژیم آپارتایدی صهیونیستی است که مقامات باکو در ماه‌های اخیر با پاکداشتن روی آرمان‌های مردم جمهوری آذربایجان، برای گشایش سفارت در آن رژیم کودک‌کش، سر از پا نمی‌شناسد؟

**هفتم:** چرا مقامات جمهوری آذربایجان تاکنون از پاسخ به سؤالاتی که درباره میزبانی تروریست‌های ضد ایرانی در این کشور و همچنین نقش تبعه این کشور به عنوان عنصر اصلی هدایت و هماهنگ‌کننده عملیات ترویستی در حرم شاهچراغ که به شهادت

۱۳ ایرانی منجر شد، به بهانه‌های متعدد از جمله بررسی موضوع ظفره می‌روند اما درخصوص حادثه حمله مسلحانه به سفارت بلادرنگ به برجسبزدن تروریستی به ایران اقدام کردند و منتظر نتایج تحقیقات نشدند؟

**هشتم:** یکی از ابهامات حادثه این است که با توجه به عدم اطلاع و عدم موافقت یاسین حسین‌زاده، سفارت چه نقشی در انتقال همسر وی به جمهوری آذربایجان داشته است؟ کدام قواعد کنسولی در این روند نقض شده‌اند و چرا سفارت در این خصوص با وجود مراجعات مکرر شاکلی، حاضر به پاسخ‌گویی قانع‌کننده به وی نشده است؟ آیا رفتار سفارت در این خصوص مصداق جرم ناپدیداری اجباری –که البته جمهوری آذربایجان کارنامه فری‌های در این خصوص در کشورهای مختلف دارد- یا مصداق فراری‌دادن یک فرد و نقض حقوق کودکان یک خانواده نیست؟

نکته دیگر مشابهت قابل تأمل موضع‌گیری‌های رژیم صهیونیستی در این خصوص با موضع‌گیری‌های دستگاه رسانه‌ای و سیاسی باکو است. با توجه به موارد فوق می‌توان گفت حتی اگر ببندیریم باکو در طراحی و به جنون رساندن یاسین حسین‌زاده (با توجه به مراجعات مکرر وی به سفارت، سوابق پزشکی و احتمالا اطلاع سفارت از روحیاتش) نقش نداشته باشد، اما مشخص است که جمهوری آذربایجان به جای برخورد حقوقی با این موضوع، سناریوی مشترکی را با رژیم صهیونیستی با هدف پروپاگانده علیه ایران دنبال می‌کند. از این رو این سؤال مطرح است که هدف باکو و تل‌آویو از سناریوی متهم‌کردن ایران در حادثه حمله مسلحانه به سفارت چیست؟ در پاسخ می‌توان به مجموعه‌ای از دلایل ذیل اشاره کرد:



**اول:** جمهوری آذربایجان بعد از جنگ دوم قریاباغ (۲۰۲۰)، با حمایت انگلستان، رژیم صهیونیستی و ترکیه فتنه ژئوپلیتیکی دالان توراتی ناتو را با شدت دنبال می‌کند، اما مواضع مقتدرانه ایران از جمله رزمایش‌های سپاه و ارتش آن را ناگام گذاشته، ازاین‌رو امیدوار است با استفاده از این حادثه، موجب انفعال و عقب‌نشینی ایران شود.

**دوم:** جهش در توجه و حساسیت افکار عمومی ایران به‌ویژه آذری‌های غیرتمند به رویکردهای شیعه‌ستیزی سیستماتیک جمهوری آذربایجان و پیوندهای ضد ایرانی دولت باکو با رژیم صهیونیستی به‌شدت موجب نگرانی باکو شده است. جمهوری آذربایجان تلاش دارد بسا اطلاق «کمپین ضد آذربایجانی» به این حساسیت افکار عمومی ایران، هرگونه جهاد تبیین درباره رویکرد دولت باکو در ایران، ممنوع و سانسور شود تا آنها در میدان خالی، ایده‌های قومی را به جلو ببرند؛ از این رو جای تعجب نیست که در بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان، به‌اصطلاح کمپین ضد آذربایجانی در ایران، عامل حادثه حمله مسلحانه قلمداد شده است!!

**سوم:** در دو سال اخیر با آشکارشدن ابعاد رویکرد ضد ایرانی دولت باکو از جمله طرح ادعاهای ارضی علیه ایران از سوی الهام علی‌اف پیوند با تکفیری‌ها و منافقین در البانی و طرح فتنه دالان توراتی ناتو، لابی‌دلاری و قومی باکو در ایران در پیشبرد اهداف باکو با وجود همه سرمایه‌گذاری، دچار استیصال و مشکل شده است؟ از این رو باکو تلاش می‌کند با سوءاستفاده از فضای به‌وجودآمده از این حادثه، لابی‌مدکور جان تازه‌ای بگیرد. به‌ویژه اینکه جدیدترین مأموریت این لابی، مجاب‌کردن مقامات کشور به تمرکز صرف بر مسیر

جمهوری آذربایجان در دالان شمال – جنوب و عدم توجه به سه مسیر دیگر (۱.آسیای مرکزی، ۲.دریای کاسپین و ۳.ارمنستان) است، توطئه‌ای که در صورت اجرا، موجب تحقق طرح «مایکل دورن» افسر سابق پنتاگون مبنی بر لزوم مهار ایران و روسیه با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان خواهد شد.

**چهارم:** موضع‌گیری برخی از مقامات باکو در طرح ادعا علیه یک ارگان رسمی کشور، ادعای تروریسم دولتی یا موضوع تخلیه سفارت، بخشی از کارزار ضد ایرانی محور غربی – عبری از جمله پارلمان اروپا در تروریستی‌خواندن سپاه، سناریوی ناگام فراخوانی سفرای اروپایی و القای ناتوانی ایران در تأمین امنیت اماکن دیپلماتیک و در چارچوب طرح صهیونیستی مرگ با هزاران ضربه است.

**پنجم:** باکو پس از ناکامی در اجرای دالان توراتی ناتو و انقطاع پیوندهای مردمی، فرهنگی و دینی ایران و جمهوری آذربایجان، حدود یک سال است که به بهانه کرونا مرز زمینی خود را بر عبور شهروندان دو کشور بسته است، با وجود اینکه ایران بیش از ۱۰ سال است که روایتید را لغو کرده است اما باکو سال به سال بر محدودیت‌ها جهت جلوگیری از مرادات مردمی دو کشور افزوده است. در واقع مرادات مردمی، کابوسی برای دولت باکو محسوب می‌شود و آنها برخلاف شعارهایشان تلاش می‌کنند از هر طریقی در این مرادات مانع ایجاد کنند. سیاه‌نمایی علیه فعالیت حسینیون نیز در این راستا صورت می‌گیرد.

**ششم:** موضوع گشایش سفارت باکو در رژیم صهیونیستی با وجود تبلیغات فراوان دولتی، در میان مردم جمهوری آذربایجان پذیرش عمومی ندارد، حتی انتقاداتی از درون حاکمیت در این خصوص وجود دارد. از این رو نیاز به تقویت پروپاگاندا ی سپاه برای عادی‌کردن این اقدام ضد مردمی است. مطلوب رژیم صهیونیستی آن است که هم‌زمان با فعالیت سفارت باکو در تل‌آویو، سفارت باکو در تهران تعطیل یا فعالیتش محدود شود. ضمن اینکه کوپیدن بر طیل این حادثه، محمل مناسبی برای فراکنکی و انحراف افکار عمومی از بروز فاجعه انسانی در قریاباغ به دلیل مسدودکردن کریدور لاجین توسط باکو است که مصداق نقض امنیت ارامنه قریاباغ و ارتکاب اقدام مجرمانه «به‌حطی‌کشاندن اجباری مردم غیرنظامی» است که از منظر حقوق بین‌الملل، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

**هفتم:** اگرچه رژیم صهیونیستی سناریوی ایجاد درگیری سخت میان ایران و جمهوری آذربایجان (اوکراینیزه‌کردن جمهوری آذربایجان) را در هر فرصتی دنبال می‌کند اما این سناریو به دلایل مختلف سیاسی، ژئوپلیتیکی، نظامی و منطقه‌ای، قبل از آنکه یک تهدید واقعی باشد، بیشتر یک شانتاژ روانی برای مقهورکردن برخی محافل در ایران است که از تداوم موضع مقتدرانه در قفقاز خودداری کند. دلایل و انگیزه‌های دیگری نیز می‌توان به موارد فوق افزود اما آنچه مشخص است اینکه باکو در پیشبرد منافع رژیم صهیونیستی از طریق حادثه حمله مسلحانه به سفارت عزم جدی دارد. طبیعتا ایران با تأکید مجدد بر دوستی و برادری ناگسستنی مردم دو کشور، ضمن انجام وظایف حقوقی و اخلاقی خود در بررسی جوانب این اقدام مجرمانه که بر اساس نتایج اولیه فاقد ابعاد سیاسی، امنیتی یا تروریستی است، اجازه سوءاستفاده به جمهوری آذربایجان از این حادثه را نخواهد داد و تغییری در خطوط قرمز خود در قفقاز ایجاد نخواهد کرد.



The Longines Legend Diver Watch

Elegance is an attitude

لونژین  
LONGINES

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN

Tel.: +98 21 226.137.52